

بازخوانی کیفی و زمانی جمع و تدوین قرآن

(با تکیه بر دیدگاه علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی)*

□ یگانه قره‌باغی**

چکیده

مسئله جمع و تدوین قرآن از صدر اسلام تاکنون، میان مسلمانان معرکه آراء بوده و در کتب تفسیری و روایی معتبر شیعه و اهل سنت از این مبحث، سخن به میان آمده است. اهمیت بررسی بحث مورد نظر به طور عام، از این‌روست که برخی از افراد و گروه‌ها، کیفیت جمع‌آوری قرآن را دستاویزی برای اثبات تحریف شدن مصحف قرار داده و از آن سوء استفاده کرده‌اند. این مقاله با استفاده از شیوه توصیف و تحلیل، آرای علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی را در حوزه کیفیت و زمان جمع‌آوری مصحف شریف بررسی نموده است. نتایج این بازخوانی این است که علامه در زمینه جمع و تدوین قرآن، بر جریان تاریخی همچون جمع قرآن توسط زید و به دستور ابوبکر استناد می‌کند و در مجموع، جمع قرآن را به نوعی در سه مرحله می‌داند: ۱. در زمان حیات پیامبر؛ ۲. بعد از رحلت حضرت و توسط امام علی؛ ۳. در دوران حکومت عثمان، ولی آیت‌الله جوادی با دلایلی این‌گونه روایات و جریانات را رد می‌نماید و با ذکر این مرحله جمع قرآن را در عهد رسول خدا عنوان می‌کند و دو مرحله دیگر را با توجیهاات فراوانی، نمی‌پذیرد. کلیدواژه‌ها: جمع قرآن، تدوین قرآن، علامه طباطبایی، آیت‌الله جوادی آملی.

* تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۶/۲۰؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۷/۳۰.

** فارغ التحصیل سطح سه جامعه الزهراء قم (yeganeh.q72@gmail.com)

مقدمه

یکی از مباحث دقیق علوم قرآنی، بررسی تاریخی نگارش، جمع و تدوین قرآن است. هر مسلمانی علاقمند است تا با تاریخچه کتاب دینی خود آشنا گردد و از لابه‌لای مدارک و منابع موجود، میزان توجه و اهتمام مسلمانان صدر اسلام و یاران پیامبر اکرم را به این کتاب مقدس به دست آورد. برای هر مسلمانی جالب است که بداند قرآنی که اکنون بی‌هیچ تغییر و تحریفی در دست او قرار گرفته، چه فراز و نشیبی را در بستر تاریخ پیموده است.

از این‌رو، تاریخ به روشنی گواهی می‌دهد که عرضه وحی آسمانی بر مردم با چنان استقبال‌ی رو به رو گردید که همگان را شگفت زده نمود. مسلمانان در دو زمینه حفظ و کتابت قرآن، تمام توان و امکانات خویش را به کار گرفتند و با اشتیاقی وافر، پای در این عرصه گذاردند که قلم از توصیف آن ناتوان است (جوان آراسته، ۱۳۸۷: ۱۴۳).

میان اندیشمندان قرآنی، راجع به ترتیب، نظم و تعداد آیات در هر سوره، اتفاق نظر وجود دارد. آنان معتقدند که این امور در عصر پیامبر اکرم را با دستور آن بزرگوار، بوده و توفیقی است. هر مسلمانی باید آن را تعبداً قبول کند و به همان ترتیب در هر سوره تلاوت نماید. به این دلیل که هر سوره با فرود آمدن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آغاز می‌شد و آیات، به ترتیب نزول، در آن ثبت می‌گردید تا موقعی که «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» دیگری نازل شود و سوره دیگری آغاز گردد (معرفت، ۱۳۹۰: ۱۰۷) اما درباره جمع و تألیف قرآن به شکل کنونی اختلاف نظر دیده می‌شود که آیا این گردآوری، در زمان واحد صورت گرفته یا به مرور زمان و به دست افراد و گروه‌های مختلف انجام شده است؟

در حوزه جمع و تدوین قرآن و کیفیت و زمان آن، تحقیقات فراوانی صورت گرفته و مقالاتی در این باره به رشته تحریر در آمده است؛ نظیر مقاله آقای محمد سپهری با عنوان «جمع و تدوین قرآن» و مقاله آقای بهاء‌الدین خرمشاهی با موضوع «سیر تدوین قرآن». لازم به ذکر است که پژوهشی با موضوع «بازخوانی کیفی و زمانی جمع و تدوین قرآن با تکیه بر دیدگاه علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی» در میان پژوهش‌ها یافت نشد.

مقاله حاضر، علاوه بر این که به معانی گوناگون واژه «جمع» در طول تطورات تاریخی می‌پردازد، به بررسی موضع علامه و آیت‌الله جوادی آملی در مسئله کیفیت و زمان جمع‌آوری قرآن، پرداخته است.

۱. مفهوم‌شناسی واژه جمع

لازم است قبل از ورود به بحث، به تنها واژه کاربردی آن، یعنی لفظ «جمع»، پرداخته شود و از جهت لغوی و اصطلاحی، بررسی گردد.

الف. معنای لغوی واژه جمع

از حیث لغوی، واژه «جمع» را به معنای گردآوری کردن و جمع کردن چیزی (فراهیدی، ۱۴۰۵: ۲۳۹/۱، جوهری، ۱۴۰۷: ۳/۱۱۹۸) ضمیمه کردن یک چیزی با نزدیک کردن بعضی از آن به بعضی دیگر (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۰۱) اطلاق کرده‌اند. به نظر می‌آید که هریک از معانی نام برده، در نهایت، نتیجه‌ای قریب و یکسان خواهند داشت و منجر به امر واحدی می‌شوند.

ب. معنای اصطلاحی واژه جمع

به نظر می‌رسد کلمه «جمع»، معمولاً بر مطلق گردآوری هر چیزی گفته می‌شود و معنای اصطلاحی خاصی ندارد؛ اما از آنجا که نوشتار حاضر، در مقام تبیین جمع قرآن است، معانی گوناگون جمع مصحف شریف که بر حسب زمان و اقتضای کلام، معنایی متفاوت و متناسب با مقصود به خود گرفته است، بررسی خواهد شد. به طور کلی، دانشمندان چهار معنا را برای این واژه ذکر نموده‌اند:

۱. حفظ کردن، به حافظه سپردن و از بر کردن است. از این جهت، به آن دسته از صحابی که قرآن را از حفظ داشتند، حفاظ قرآن یا جماع قرآن و یا جامعان قرآن، به معنای جمع کنندگان آن می‌گفتند. این، مرحله اول جمع‌آوری قرآن بود (نولدکه، ۲۰۰۸: ۲۴۱؛ حجتی، ۱۳۸۹: ۲۳۵).

۲. گاهی جمع، به معنای نوشتن بوده است، منتها آیات به صورت پراکنده و متفرّق نوشته شدند و در یک جلد جمع نگردیدند. به علاوه اینکه بعضی از سوره‌ها هم مرتب بوده است. این، مرحله دوم جمع‌آوری می‌شود.

۳. گردآوری یا تدوین و نوشتن قرآن در یک مجموعه، به صورتی که آیه‌ها و سوره‌ها مرتب شده باشند. این، مرحله سوم بود که تا مدتی هم ادامه داشت.

۴. گردآوری قرآن، مطابق با قرائت کنونی که با قرائتی واحد و از طریق متواتر به ما برسد. مرحله مذکور هم آخرین مرحله جمع قرآن بود (رامیار، ۱۳۸۵: ۲۱۲).

معنای اخیر، همان معنایی است که همه قبول دارند در زمان خلیفه سوم، عثمان بن عفّان، قرائت‌ها و مصاحف واحد شدند. بنابراین اختلاف نظر از معنای سوم ناشی می‌شود که در چه زمانی رخ داده است؟ یعنی آیا مرتب کردن آیات و سوره‌ها به ترتیب امروزی، در زمان پیامبر ا انجام شده یا بعد از رحلت ایشان؟

۲. آرای علما

دیدگاه علما در مورد زمان و کیفیت جمع‌آوری قرآن کریم، در سه نظر عمده خلاصه می‌شود که در این بخش از پژوهش، فقط مهم‌ترین ادله این سه دیدگاه، به طور موجز ذکر می‌شود تا خواننده محترم، قبل از ورود به بررسی آراء علامه و آیت‌الله جوادی، پیش‌زمینه ذهنی نسبت به بحث داشته باشد.

الف. جمع قرآن قبل از رحلت پیامبر ا و در زمان حیات ایشان

طرفداران این دیدگاه بر این باورند که جمع قرآن به ترتیب کنونی در زمان حیات پیامبر ا اتفاق افتاده است. این گروه، از دلایل نقلی و عقلی-تاریخی برای اثبات ادعای خویش استفاده کرده‌اند. این نظر از سوی افرادی چون آیت‌الله خوئی (خوئی، ۱۳۴۰: ۲۵۱) و علامه حسن زاده آملی (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۶: ۴۹) اظهار شده است. دلایل نقلی (آیات و روایات) به ترتیب ذیل‌اند:

- تعداد زیادی از آیات قرآن کریم، بر این دلالت دارند که از زمان نزول قرآن، سوره‌ها به طور جداگانه در میان مسلمانان و حتی بین مشرکان و اهل کتاب منتشر شده بود. این آیات به دو گروه تقسیم می‌شوند:

یکم. آیات تحدی: پیامبر ا طبق دستور قرآن، کفار و مشرکان را به معارضه دعوت کرد و در این معارضه، آوردن سخنانی همچون قرآن (طور: ۳۴؛ اِسراء: ۸۸) و آوردن ده سوره (هود: ۱۳) و در نهایت، آوردن یک سوره مانند سوره‌های قرآن (بقره: ۲۳) را به آنان پیشنهاد نمود. معنای مبارزه طلبی این است که سوره‌های قرآن حتی در دسترس ایشان قرار گرفته باشد (خویی، ۱۳۴۰: ۲۵۱).

دوم. در آیات بسیاری، قرآن مجید، «کتاب» نامیده شده است و از این نامگذاری برمی‌آید که قرآن، جمع شده بود؛ زیرا قرآنی که در سینه‌ها یا لوح‌های پراکنده نوشته شده باشد، کتاب نامیده نمی‌شود؛ مانند آیه «ذَلِكِ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره: ۲).

- در این جا می‌توان به این روایت اشاره کرد که نسائی با سند صحیح از ابن عمر نقل می‌کند که قرآن را جمع کرده بودم و چون این جریان به گوش پیامبر ا رسید، فرمود: آن را آرام و با حوصله و هر ماه یکبار بخوان (سیوطی، ۱۴۲۱: ۱/۲۴۹). این یک نمونه از روایت‌های صریح بود. اما اخباری وجود دارد که به طور ضمنی و بدون به کار رفتن کلمه جمع یا... در آن‌ها، به جمع قرآن کریم در دوران حیات پیامبر ا اشاره دارند؛ مانند اینکه رسول خدا | در حدیث ثقلین فرموده‌اند: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترتی» (طبرسی، ۱۴۱۲: ۴/۲۲۲). این خبر به این معنا هدایت می‌کند که قرآن در عصر پیامبر ا به صورت کتاب و مجموعه‌ای مدوّن در آمده بوده تا قابل امانت گذاشتن باشد (خویی، ۱۳۴۰: ۲۵۱).

دلایل عقلی-تاریخی نیز از این قرار است که جمع قرآن بعد از رحلت پیامبر ا مخالف حکم عقل است؛ چون انگیزه‌های زیادی همانند اهتمام پیامبر اسلام | به حفظ قرآن، وجود داشته که مسلمانان را به سوی آن جلب می‌کرده است. از طرفی هم ایشان می‌دانست کتاب‌های انبیای قبلی تحریف شده‌اند و آخرین کتاب الهی باید تا ابد، هدایتگر انسان‌ها باشد و لازم است

از هرگونه تحریفی مصون بماند. بنابراین، هیچ‌گاه عقل نمی‌پذیرد که حضرت | جمع قرآن را برای بعد از خود باقی بگذارد (همان: ۲۵۱ - ۲۵۲؛ عاملی، بی‌تا: ۳۹ - ۵۳).

ب. جمع قرآن بعد از رحلت پیامبر اسلام |

در این دیدگاه نیز ادله‌ای نظیر ادله نقلی و عقلی - تاریخی اقامه شده است که قرطبی (قرطبی، ۱۳۶۴: ۵۷/۱ - ۵۸)، بلاغی (بلاغی، بی‌تا: ۱۸/۱)، آیت‌الله معرفت (معرفت، ۱۳۸۲: ۸۵) و... بدان معتقدند. دلایل نقلی (آیه و روایت) عبارتند از:

یکم. آیه‌ای که در این جا بدان تمسک جسته‌اند، آیه حفظ (حجر: ۹) است که خداوند به پیامبرش | وعده داد که خود، حافظ قرآن است. رسول خدا | نیز تلاش کرد که امتش قرآن را در خاطر بسپارند (حجتی، ۱۳۷۲: ۲۳۵ و ۴۳۵). به این دلیل، نیازی به نوشتن و جمع‌آوری قرآن در زمان پیامبر | احساس نمی‌شد.

دوم. از روایاتی که به آن استناد نموده‌اند، این است که ابن شهاب نقل می‌کند: ابوبکر قرآن را بر روی کاغذها جمع‌آوری نمود و از زید بن ثابت خواست کرد تا به آن نوشته نظری بیفکند. زید امتناع ورزید تا اینکه ابوبکر در این باره از عمر استمداد نمود و زید نظارت جمع قرآن را بر عهده گرفت (خویی، ۱۳۴۰: ۲۴۰).

به منظور اثبات جمع قرآن پس از رحلت پیغمبر |، از دلایل عقلی-تاریخی نیز استفاده شده است؛ از جمله:

۱. تدریجی بودن نزول قرآن و ادامه یافتن نزول وحی تا اواخر حیات پیامبر |، سبب شد تا در دوران زندگی ایشان، فرصتی پیش نیاید که نویسندگان را به جمع قرآن در مصحف واحدی و ادار سازد (معرفت، ۱۳۸۲: ۸۵).

۲. جمع قرآن توسط امام علی ×: طبق مدارک اهل سنت و شیعه، نخستین جامع قرآن، امام علی × است. ایشان بلافاصله بعد از رحلت پیامبر |، قسم یاد کرد که از خانه بیرون نیاید، مگر آنکه قرآن را جمع کرده باشد. (همان: ۲۲۸) اهتمام امیرالمؤمنین ^ به جمع قرآن، نشان می‌دهد که کلام الهی در زمان حیات رسول الله | جمع‌آوری نشده بود.

ج. قول به تفصیل

قائلان به تفصیل، بخشی از مراحل جمع قرآن را مربوط به قبل از رحلت و بخشی دیگر را مربوط به پس از رحلت رسول اکرم ا می‌دانند. البته ایشان، نظرات مختلفی دارند؛ بعضی مانند آلوسی (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱/ ۲۲) و... قائل به دو جمع (جمع در عصر پیامبر و در زمان ابوبکر) و تعدادی نیز همچون زحیلی (زحیلی، ۱۳۷۴: ۱/ ۴۰۷) و مدرّس (همان: ۳۹۹) سه جمع (در عصر رسول الله، در زمان ابوبکر و دوره خلافت عثمان) را قبول دارند که گاه نظر هر کدام با دیگری تفاوت‌هایی دارد.

ذکر این نکته نیز ضروری است که می‌توان منشأ اختلافات علما را از آنجایی دانست که برخی از ایشان بدون آنکه معنای «جمع» را روشن کنند، به بحث در مورد تاریخ جمع قرآن پرداخته‌اند.

۳. دیدگاه علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی نسبت به جمع قرآن

پس از مشخص شدن نظریات تعدادی از مفسران در خصوص جمع قرآن کریم، حال نوبت به بررسی دیدگاه علامه و آیت‌الله جوادی آملی می‌رسد تا روشن شود که ایشان، از میان دیدگاه‌های سه‌گانه فوق، کدام یک را به عنوان نظر نهایی خویش، اختیار می‌نمایند.

علامه در راستای تبیین نظر خود، معتقد است که پیامبر اکرم ا در یاد دادن سوره‌ها و آیات قرآنی و حفظ و ضبط آنها، نهایت جدیت به خرج می‌دادند. پس از هجرت آن حضرت و اصحابش به مدینه و تشکیل جامعه مستقل اسلامی، این روش، منظم‌تر و متشکل‌تر گردید و به دستور ایشان، جمعیت متعددی از یاران وی به قرائت قرآن، حفظ و ضبط سوره و آیات آن مشغول بودند (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۱۶۹).

علامه طباطبایی بر این باور است که در روزگار پیامبر اکرم ا، متن آیات نازل شده را بر روی ابزارهای ویژه‌ای مانند الواح، استخوان شانه شتر، سنگ و شاخه درخت خرما نوشته و ضبط می‌کردند (همان: ۱۷۰).

نظر مرحوم علامه آن است که جمع قرآن به صورت مصحف، پس از رحلت پیامبر ا

صورت گرفته است و اولین بار، امام علی ع، قرآن را به ترتیب نزول، در یک مصحف جمع نمود (همان: ۱۷۱).

به علاوه اینکه پس از یک سال و اندی هم جنگ یمامه در گرفت و هفتاد نفر از قراء کشته شدند. خلیفه از ترس اینکه ممکن است جنگ دیگری برای مسلمانان پیش آید و بقیه قراء نیز کشته شوند، به فکر جمع آوری سوره‌ها و آیات قرآنی در یک مصحف افتاد. این امر، توسط عده‌ای به سرپرستی زید، انجام شد و نسخه‌هایی از آن به اطراف و اکناف، ارسال گردید (همان).

بعد از مدتی، در زمان خلیفه سوم، به اطلاع وی رسانیدند که در اثر مسامحه و سهل‌انگاری‌ای که مردم در استتساخ و قرائت قرآن کرده‌اند، اختلافاتی به وجود آمده است و از این طریق، کتاب خدا به شدت با تهدید تحریف و تغییر روبه‌روست. خلیفه برای جلوگیری از این خطر، دستور داد مصحفی را که برای نخستین بار به امر خلیفه اول نوشته شده بود و نزد حفصه - همسر پیامبر ا و دختر خلیفه دوم - بود، به امانت بگیرند. پنج نفر از قراء صحابه مأموریت یافتند تا نسخه‌هایی از آن بردارند که اصل سایر نسخه‌ها قرار گیرد. وی دستور داد تا قرآن‌هایی که در سایر بلاد در دست مردم است، جمع‌آوری شده و به مدینه فرستاده شوند. هرچه از این قرآن‌ها به مدینه می‌رسید، به امر خلیفه می‌سوزانیدند. لذا پس از آن، مسلمانان این مصحف واحد را پذیرفتند و نسخه‌هایی از آن برداشتند و رد و اعتراضی نکردند (همان: ۱۷۱ - ۱۷۲).

علامه روایاتی را ذکر می‌کند که برخی از آن‌ها بیانگر جمع قرآن، قبل از رحلت و تعدادی هم نشان‌دهنده جمع قرآن بعد از رحلت است. برای نمونه، از دیر عاقلی روایتی نقل شده که زید بن ثابت گفت: رسول خدا ص از دنیا رفت، در حالی که هنوز هیچ چیز از قرآن جمع‌آوری نشده بود (سیوطی، ۱۴۲۱: ۲۰۷/۱). از سوی دیگر، حاکم از زید بن ثابت نقل می‌کند که نزد رسول خدا ص قرآن را از ورق‌ها جمع‌آوری می‌کردیم (همان).

سپس در ادامه چنین نظر می‌دهد که ممکن است، این دو روایت با هم منافات نداشته باشند و مقصود از جمع کردن در روایت دوم، این باشد که مسلمانان در زمان پیامبر ا،

آیه‌هایی از یک سوره را که به طور پراکنده نازل شده بود، در یک جا جمع و هرکدام را به سوره خود ملحق می‌کردند و یا بعضی از سوره‌ها را که از نظر کوتاهی، بلندی و متوسط بودن، نظیر هم بودند، مانند طوال و مئین و مفصلات را کنار هم قرار می‌دادند؛ همچنان که در احادیث نبوی هم از آن‌ها یاد شده است. وگرنه به طور مسلم، جمع‌آوری قرآن به صورت يك كتاب، بعد از درگذشت رسول خدا | اتفاق افتاده است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۲/۱۲۰).

علاوه بر موارد فوق، وی روایاتی را که گفته‌اند، قرآن در عهد رسول خدا | به دست پنج نفر به نام‌های معاذ بن جبل، ابی بن کعب و... جمع‌آوری شد، این‌گونه حمل کرده است که نهایت چیزی که این روایات بر آن دلالت دارد، این است که نامبردگان در زمان رسول خدا | سوره‌ها و آیه‌های قرآن را جمع کرده بودند؛ اما این‌که عنایت داشتند که همه قرآن را به ترتیب سوره‌ها و آیه‌هایی که امروز در دست ماست و یا به ترتیب دیگری جمع کرده باشند، دلالت ندارد. لازم به ذکر است که این‌طور جمع کردن، تنها و برای اولین بار در زمان ابوبکر باب شده است (همان: ۱۲۱).

علامه در المیزان، ظاهراً بر جمع‌آوری قرآن در دو نوبت اشاره می‌کند، ولی با توجه به مطالبی که در مجموعه آثار خویش بیان می‌دارد، به نظر می‌رسد، حاصل نظر ایشان چنین باشد که این جمع‌آوری در سه مرحله صورت پذیرفته است:

جمع اول: در زمان پیامبر اکرم | تمامی قرآن نوشته و گردآوری شده بود و مقدار زیادی از آیات نیز مرتب بوده است؛ زیرا رسول خدا | - بر اساس روایات - بیشتر سوره‌های قرآن را در نمازهای یومیه می‌خواندند. به علاوه، هر آیه‌ای نازل می‌شد، دستور می‌دادند که آن را جای خاصی قرار بدهند (همان: ۱۲۴ - ۱۲۵).

جمع دوم: بعد از رحلت پیامبر |، حضرت علی × قرآن را گردآوری کرد و آن را عرضه نمود، ولی مورد قبول واقع نگشت (همان: ۱۱۶) و بعد از آن، ابوبکر به کمک صحابه، اقدام به مرتب کردن بقیه قرآن به ترتیب کنونی نمود. البته در این کار، اصحاب هر جا که علم به ترتیب رسول خدا | داشتند، مخالفت عمدی نکردند (همان: ۱۲۷).

نکته مهم این است که علامه برای مصحف امیرالمؤمنین × ویژگی‌هایی نظیر مطابقت

آن با قرآن کنونی، (همان: ۱۱۶) مرتب شدن آن بر طبق ترتیب نزول (همان: ۱۲۶) و... بر می‌شمرد و سایر اوصاف آن را به منابع دیگر ارجاع می‌دهد.

جمع سوم: در زمان خلیفه سوم (عثمان) بود که قرائت‌ها و مصحف‌ها واحد شدند.

آیت‌الله جوادی نیز مبحث جمع قرآن را طی پاسخ به شبهه تحریف قرآن، توضیح می‌دهد. از نگاه ابتدایی به گفتارشان در خصوص جمع قرآن، چنین برمی‌آید که ایشان برای طرح دیدگاه خویش، تعدادی از مسائلی را که در میان اکثر قرآن‌پژوهان، به عنوان یک اصل بدیهی رایج شده، رد می‌کند. به گونه‌ای که می‌توان، منظور از جمع قرآن از نگاه وی را به دست آورد و به طور کامل به نظر نهایی ایشان، دست یافت.

اولین مسئله‌ای که آیت‌الله جوادی عنوان می‌کند و نمی‌پذیرد، این است که در برخی از روایات موجود در منابع تاریخی و روایی در خصوص جمع قرآن، ادعا شده که قرآن در دوران ابوبکر و به دست زید بن ثابت با شهادت دو شاهد، جمع گردیده است (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۱۵۵). ایشان این دسته از روایات را به دلایل ذیل مردود می‌شمارد:

دلیل اول: از حیث سند، این جریان تاریخی، نه خبر واحد است که محفوظ به قرینه قطعی باشد و نه متواتر.

دلیل دوم: این جریان‌های تاریخی به سبب پراکندگی و تعارض با یکدیگر، فاقد اعتبار و حجیت‌اند؛ زیرا در برخی از این روایات آمده است که ابوبکر - و طبق بعضی دیگر عمر - آن را گرد آورده است. گاهی نیز آمده که عثمان و یا زید بن ثابت آن را جمع کرده است و گاهی وارد شده که ابوبکر به زید بن ثابت دستور داد تا قرآن را جمع کند. به عبارت روشن‌تر: زمان و مکان و کیفیت جمع‌آوری قرآن در این روایات، دچار اختلاف و تعارض است. بنابراین با چنین تهافت و ناهماهنگی‌ای نمی‌توان به این روایات تمسک کرد (همان: ۱۵۷).

دلیل سوم: به گواهی تاریخ اسلام و قرآن، گروه زیادی از مردان و زنان اندیشمند، قرآن را جمع کرده‌اند؛ نظیر عبدالله بن مسعود، زید بن ثابت، ابی بن کعب، عبدالله بن عباس و عایشه که به این قرآن‌ها اصطلاحاً «مصاحف صحابه» گفته می‌شده است.

دلیل چهارم: مقصود از جمع قرآن توسط ده نفر یا چهار نفر یا بیشتر و کمتر، حفظ آن

در سینه و حافظه نیست؛ زیرا حافظان قرآن به این معنا، بسیار بیشتر از این ارقام و صدها نفر بوده‌اند که تنها در جریان جنگ یمامه و بئر معونه، چهارصد تن از حافظان قرآن کشته شدند. پس معنا ندارد با وجود صدها حافظ و جامع قرآن به این معنا گفته شود که شمار اندکی قرآن را جمع (حفظ) کرده بودند. بنابراین منظور از جمع، جمع عینی و تدوینی است (همان: ۱۵۸).

دلیل پنجم: اهتمام پیامبر اکرم | و مسلمانان به قرآن، با روایات جمع سازگار نیست. ندای رسمی تاریخ این است که هر کس از مکه به مدینه مهاجرت می‌کرد، نخست پیامبر | به یکی از صحابه دستور می‌داد تا به او قرآن بیاموزد و بر اساس تشویق‌های فراوان پیامبر | صدها نفر به حفظ قرآن پرداختند. خود قرآن نیز از مسلمانان خواسته است تا در حد توان قرآن بخوانند و در همین باره فرموده است: «فَأَقْرُؤْا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ» (مزل: ۲۰). با چنین اهمی، چگونه می‌توان پذیرفت که زید بن ثابت با گواهی دو شاهد در زمان ابوبکر به جمع قرآن پرداخته است (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۱۶۳).

دلیل ششم: قرآن در عصر پیامبر | توسط کاتبان وحی نگاشته و در سینه‌ها حفظ می‌شد. بنابراین، قرآن در حیات پیامبر | مکتوب بوده و به سبب برخورداری از سامان و پیکره منسجم و یگانه، به آن کتاب اطلاق می‌شده است. تنها کاری که در این دوران انجام نگرفت و توسط ابوبکر دنبال شد، سامان دادن به این انگاشته‌ها و صحافی آن‌ها بوده است؛ زیرا تمام آیات و سوره‌های قرآن به صورت صحیفه‌هایی در عصر پیامبر | نگاهداری می‌شد و در دوران ابوبکر با صحافی و کنار هم گذاشتن این صحیفه‌ها، مجموعه آن‌ها را به هم پیوند داده و به صورت مصحف درآوردند (همان).

دومین مسئله تاریخی که ایشان مطرح می‌کند این است که جریان‌های تاریخی، گواهی می‌دهند که شماری از آیات، بر روی پوست، چوب، استخوان، کتف شتر و... نگاشته شده بود و در خانه فلان شخص و فلان شخص به صورت پراکنده بوده است. آیت‌الله جوادی، اذعان می‌کند که چنین روایاتی، مخالف خود قرآن هستند (همان). وی این موضوع را نیز با استفاده از دلایلی طرد می‌نماید که عبارتند از:

دلیل اول: قرآن، مردم را به مبارزه دعوت کرد و فرمود: مثل قرآن یا مثل ده سوره یا يك سوره بیاورید. کلمه سوره به مجموعه‌ای اطلاق می‌گردد که آغاز و انجامش مشخص باشد و با يك «بسم‌الله» شروع گردد و به «بسم‌الله» بعدی که آغاز سوره دیگر است، ختم شود. از این رو، وقتی قرآن می‌گوید: شما هم ده سوره مثل این کتاب بیاورید؛ معلوم می‌شود که سوره‌ها مشخص، جمع بندی شده و معلوم بوده‌اند که آغاز و انجامش کجاست؛ زیرا طبق این روایات تاریخی (دو آیه در منزل فلانی و سه آیه در منزل شخصی دیگر)، مرزی وجود ندارد و دیگر به آن سوره اطلاق نمی‌گردد.

همچنین، در قسمتی از قرآن که تحدی به خود قرآن ید به يك سوره شده، همگی نشانه مضبوط و مشخص بودن حدود و ثغور آیات و سوره‌هاست و این امر با پراکنده بودن آیات بر روی نوشته‌های مختلف و در خانه اشخاص، سازگاری ندارد؛ چنان‌که تعبیر از قرآن به کتاب در آیه «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ» (بقره: ۲) مناسب با جمع‌آوری کامل آن در زمان حضرت رسول است، وگرنه عنوان کتاب بر او منطبق نمی‌شد؛ مگر با تسامح و تساهل.

دلیل دوم: روایات تاریخی مورد استناد درباره جمع قرآن، با روایت متواتر ثقلین که از پیامبر نقل شده، مخالف است؛ زیرا طبق این روایت، پیامبر اکرم فرمود: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي» (مجلسی، بی‌تا: ۲/۲۲۶). وقتی پیامبر می‌فرماید: میراث من میان شما دو چیز است: کتاب خدا و عترت من. معلوم می‌شود که آن حضرت، به يك سلسله آیاتی که به صورت پراکنده و روی اشیای مختلف نگاشته و در خانه‌های اشخاص نگهداری می‌شده، عنوان کتاب را اطلاق نکرده است.

پیدا است که پیامبر اکرم طبق این حدیث، نفرمود که من میان شما آیات گسیخته یا سوره‌های پراکنده را بر جای می‌گذارم؛ بلکه فرمود: من برای شما کتاب گذاشتم و عنوان کتاب، اصطلاح شرعی ندارد و همان معنای متفاهم لغوی از آن اراده شده است؛ یعنی مجموعه‌ای که دارای آغاز و انجام است. به علاوه اینکه، واژه کتاب، غیر از واژه قرآن است؛ زیرا قرآن، دارای اصطلاح شرعی است که به همه یا به بخشی از آیات و سوره‌های این کتاب آسمانی اطلاق می‌گردد. بنابراین اگر لفظ کتاب در موردی به کار رود، مقصود همه قرآن

است و اگر بخشی از قرآن مقصود باشد، بر اساس علاقه جزء و کل، مجاز خواهد بود و نیازمند قرینه است.

پس وقتی پیامبر ا فرمود: من کتاب خدا را میان شما به جای می‌گذارم، مقصود آن حضرت، قرآن جمع شده و مدون است، نه پراکنده. بنابراین گردآوری قرآن پس از این زمان و در دوران ابوبکر، معنای دیگری خواهد داشت که با اصل جمع و تدوین قرآن در عصر حضرت رسول ا منافاتی ندارد (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۱۵۹ - ۱۶۰).

سومین مطلبی که ایشان قبول نمی‌کند، این است که به استناد شواهد فراوانی، جمع قرآن در زمان عثمان از نوع جمع قرآن در دوران ابوبکر یا عمر نبوده است؛ بلکه به این معنا بود که عثمان از پراکندگی قرائت‌های قرآن جلوگیری کرد و در حقیقت به توحید قرائات دست زد و کار او ارتباطی به گردآوری و سامان‌دهی نظام آیات نداشته است.

در نقل‌های تاریخی آمده است که صحابی بزرگ پیامبر ا، حذیفه بن یمان با دیدن اختلاف قرائت‌های مردم که گاه به درگیری میان آنان می‌انجامید، از عثمان خواست تا به نحوی از این اختلافات جلوگیری کند (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۱۱۱/۳ - ۱۱۲؛ سجستانی، ۱۴۰۵: ۱۸ - ۲۰). عثمان نیز با گردآوری مصاحف مختلف و سوزاندن آن‌ها، دستور کتابت مجدد قرآن با قرائت مشخص را صادر کرد و بدین ترتیب تا حدود زیادی از اختلاف قرائات جلوگیری شد.

بر این اساس، قرآن پیش از عثمان نگاشته شده و میان امت اسلامی انتشار داشته است. نشانه مدعا آن است که وقتی از خود عثمان سؤال شد که از روی چه چیز قرآن را جمع کردی؟ پاسخ داد: از روی قرآن پیامبر ا. مقصود او مصحفی بود که در خانه حفصه نگهداری می‌شد. یا وقتی از او سؤال شد: چرا سوره‌های کوچک و بزرگ بر اساس نظام مشخص چینش نشده‌اند؟ مثلاً پس از سوره اعراف و پیش از سوره توبه، سوره انفال قرار گرفته است؛ در حالی که این سوره، جزء سوره‌های طوال یا سور مئین نیست. پاسخ داد: پیامبر ا قرآن را جمع کرد و مشخص نیست که جای این دو سوره کجاست. ما دیدیم که شبیه هم هستند، آن‌ها را کنار هم نوشتیم. از نگاه آیت‌الله جوادی، این امر، نشان می‌دهد که

قرآن به صورت مصحف، پیش از او وجود داشته است (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۱۶۴ - ۱۶۵).
از آنچه در زمینه جمع قرآن در دوران خلیفه سوم بیان گردید، چنین برداشت می‌شود که عثمان عملاً در خصوص جمع قرآن کاری انجام نداد و ظاهراً فقط مسبب وحدت قرائات و مصحف‌ها شد و هیچ‌گونه اجتهاد شخصی از سوی وی، صورت نگرفت.

علاوه بر مطالب ذکر شده، آیت‌الله جوادی با ذکر یک علت دیگر، جمع و کتابت کامل قرآن را در عصر نبی مکرم اسلام | به اثبات می‌رساند. بدین معنا که بررسی سیره و سنت پیامبر | که در مقام اثبات، عنصر محوری آن را قرآن به عهده دارد، نشان می‌دهد که تدوین قرآن در عصر آن حضرت | حتمی بوده است. علل این حتمیت از این قرار است:

۱. کتابت در جاهلیت نایاب یا کمیاب بود و در ظلّ تربیت دینی رایج شد. لذا عده متعددی به نوشتن وحی و تدوین اسامی کارگزاران حکومت دینی در مدینه و نیز به تحریر برنامه‌ها، نامه‌ها، پاسخ سؤال‌ها و... اشتغال داشتند. به طوری که عهدنامه‌ها و پیام‌های سیاسی و بین‌المللی حضرت رسول اکرم | برای کسرای ایران و قیصر روم و نیز نامه‌های رسمی حکومت آن حضرت، توسط کارشناسان فنی نظام اسلامی، صورت می‌پذیرفت و آثار پربرکت و به جا مانده از عنوان «مکاتیب الرسول»، از این جریان حکایت دارد.

۲. کتابت پیمان‌های تجاری و نوشتن قراردادهای اقتصادی در متن قرآن مطرح شد تا از

هر گونه اختلاف احتمالی جلوگیری شود؛ لذا خداوند فرمان داد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُبَ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَ لِيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسَ مِنْهُ شَيْئًا فَإِن كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَمْلَأَ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيَهُ بِالْعَدْلِ (بقره: ۲۸۲).

۳. صیانت وحدت امت اسلامی و حفظ کیان جامعه دینی از نفوذ تفرقه و اختلاف دینی، یقیناً از مصالح تجاری و اقتصادی اشخاص عادی مهم‌تر است. وقتی که وحی الهی از آن مصلحت عادی، غفلت نمی‌کند و به پرهیز از اختلاف اهمیت می‌دهد و جریان کتابت وام و مانند آن را در دستور کار خود قرار می‌دهد، چگونه از تدوین قانون اساسی

اسلام، عنصر اصیل دین و مدار مهم شریعت و آیین خویش غفلت می‌کند؛ با این‌که هم زمینه اختلاف در آن فراهم‌تر است و هم خطر اختلاف در آن از ضرر اختلاف تجاری و اقتصادی افراد عادی بیشتر است. عقل سلیم هرگز نمی‌پذیرد که وحی الهی به ترك تدوین خود راضی باشد و به ترك نوشتن وام عادی رضایت ندهد (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۱۶۱ - ۱۶۲).

همچنین آیت‌الله جوادی، وجود مصحف حضرت امیرمؤمنان * را از مسلمات تاریخ و روایات برمی‌شمرد. بر اساس این منابع، امام علی * بنا به فرمان پیامبر اکرم ا مبنی بر جمع قرآن، پس از رحلت حضرت ا سوگند یاد کرد تا گردآوری قرآن جز برای نماز از خانه خارج نشود. آنگاه پس از مدتی، قرآن گرد آورده را به گروهی از صحابه و مسلمانان که در مسجد حاضر بودند، ارائه کرد. برخی از آنان گفتند: ما به مصحف شما نیازی نداریم. امام علی * از این برخورد متأثر شد و فرمود: دیگر این قرآن را تا زمان قیام قائم ما # نخواهید دید (همان: ۱۶۵).

این مطلب به صورت‌های مختلف در منابع تاریخی و روایی شیعه و سنی ذکر شده است (مجلسی، بی‌تا: ۱/ ۲۰۵؛ ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۴۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱/ ۴۰؛ زرقانی، بی‌تا: ۱/ ۲۴۷؛ سیوطی، ۱۴۲۱: ۱/ ۲۹). مصحف حضرت علی * از چند جهت با مصحف کنونی تفاوت داشته است:

الف. از نظر نظم و چینش آیات و سوره‌ها؛ به گونه‌ای که امام * آیات و سوره‌ها را در مصحف خود، بر اساس نزول قرآن تنظیم کرد؛ در حالی که این امر در مصحف کنونی لحاظ نشده است.

ب. مصحف حضرت امیرمؤمنان * حاوی تفسیر و تأویل آیات و تبیین شأن و سبب نزول و مشخص کردن آیات ناسخ از منسوخ، عام از خاص، مطلق از مقید و... بوده است؛ در صورتی که این امر، ناظر به تفسیر و علوم قرآن است، نه خود قرآن. از این رو، در مصحف کنونی دیده نمی‌شود (همان: ۱۶۶ - ۱۶۷).

پس با توجه به آنچه ذکر شد، به دست می‌آید که آیت‌الله جوادی، اصرار دارد که گردآوری قرآن در دوران ابوبکر و عثمان، معنای دیگری دارد و با اصل جمع و تدوین در

عصر حضرت رسول | منافاتی ندارد. به عبارت روشن‌تر: قرآن در زمان پیامبر ا، به صورت منسجم، جمع و تدوین شده بود، ولی در زمان ابوبکر، کار صحافی و سامان دادن به نوشته‌ها صورت پذیرفت. در عصر خلیفه سوم نیز قرائت‌ها و مصاحف، واحد شدند.

نتیجه

در میان مطالب پژوهش حاضر، سه بحث مهم به چشم می‌خورد: ۱. کلی‌ای که دانشمندان برای واژه «جمع» لحاظ کرده بودند که عبارتند از: حفظ، تدوین، نوشتن و توحید مصاحف. ۲. سه رأی از آرای مختلف علما در خصوص مکان و کیفیت جمع‌آوری و تدوین قرآن. شماری از ایشان، گردآوری قرآن را در عصر حیات پیامبر ا، به صورت کتابی مدوّن دانسته‌اند. گروهی بر این باورند که مصحف شریف، پس از رحلت حضرت ا، از روی سنگ‌ها، چوب‌ها و... جمع گردید. عده‌ای نیز، قائل به تفصیل (چند مرحله‌ای بودن جمع قرآن) شده‌اند. ۳. بیان دیدگاه علامه و آیت‌الله جوادی که در این زمینه، تبیین و مقایسه گردیده است.

طی قیاس میان دیدگاه علامه و آیت‌الله جوادی، به نظر می‌رسد که اولاً: علامه جریان تاریخی مبنی بر جمع قرآن توسط زید و به دستور ابوبکر را پذیرفته است؛ ولی آیت‌الله جوادی براهینی را بر ردّ این قبیل از روایات، اقامه می‌نماید. ثانیاً: علامه جمع قرآن را در سه مرحله، قبول دارد و به نوعی قائل به تفصیل می‌شود و آیت‌الله جوادی نیز اگرچه این سه نوبت را نام می‌برد؛ لیکن تأکید ویژه‌ای دارد بر اینکه قرآن در عهد رسول خدا | جمع‌آوری گردیده است و دو مرحله دیگر را با استفاده از توجیّهات فراوانی، توضیح می‌دهد. ثالثاً: اوصافی که علامه برای مصحف امام علی × ذکر کرده است، در ظاهر، تفاوت اساسی و جوهری با توصیفات آیت‌الله جوادی آملی ندارد.

کتابنامه

-
- آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
- ابن اثیر، عزالدین، الكامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، ترجمه محمدرضا تجدد، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۶۶.
- بلاغی، محمدجواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم، وجدانی، چاپ اول، بی تا.
- جوادی آملی، عبدالله، نزاهت قرآن از تحریف، قم، اسراء، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- جوان آراسته، حسین، درسنامه علوم قرآنی، قم، مرکز تبلیغات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۷.
- الجوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- حجتی، سید محمدباقر، پژوهشی در تاریخ قرآن، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۷۲.
- حسن زاده آملی، حسن، قرآن هرگز تحریف نشده: ترجمه فصل الخطاب فی عدم تحریف کتاب رب الأریاب، قم، قیام، چاپ سوم، ۱۳۷۶.
- خویی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه احیاء آثار الإمام خوئی، چاپ اول، ۱۳۴۰ق.
- راغب اصفهانی، حسین، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالشامیة، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- رامیار، محمود، تاریخ قرآن، تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، چاپ هفتم، ۱۳۸۵.
- الزرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، بی تا.
- السجستانی، ابی بکر، المصاحف، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.

السيوطي، جلال الدين، الإتقان في علوم القرآن، بيروت، دار الكتاب العربية، چاپ دوم، ۱۴۲۱ق.

طباطبائي، سيّد محمد حسين، الميزان في تفسير القرآن، بيروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۳۹۰ق.

_____، قرآن در اسلام، قم، دفتر انتشارات اسلامي، چاپ سيزدهم، ۱۳۸۸. الطبرسي، فضل بن حسن، تفسير جوامع الجامع، قم، مركز مديريت حوزه علميه، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.

العاملي، سيّد جعفر مرتضي، حقائق هامة حول القرآن الكريم، قم، مؤسسة النشر الإسلامي، چاپ اول، بي تا.

الفراهيدي، خليل بن احمد، كتاب العين، قم، مؤسسه دار الهجرة، چاپ اول، ۱۴۰۵ق. الفيض الكاشاني، مولى محسن، تفسير الصافي، تهران، مكتبة الصدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق. القرطبي، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تهران، ناصر خسرو، چاپ اول، ۱۳۶۴. مجلسي، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار^ع، بيروت، دار إحياء التراث العربي، چاپ اول، بي تا.

مركز الثقافة و المعارف القرآن، علوم القرآن عند المفسرين، قم، مكتب الإعلام الاسلامي، چاپ اول، ۱۳۷۴.

معرفت، محمدهادي، تاريخ قرآن، تهران، سمت، چاپ پنجم، ۱۳۸۲.

_____، علوم قرآني، قم، مؤسسه فرهنگي تمهيد، چاپ دوازدهم، ۱۳۹۰.

نولدكه، تنودور، تاريخ القرآن، بغداد، منشورات الجمل، چاپ چهارم، ۲۰۰۸.